

اندازه‌گیری حداقل معاش با استفاده از سیستم مخارج خطی مطالعه موردی: جامعه شهری استان یزد (برنامه‌های سوم و چهارم توسعه)

دکتر سید نظام‌الدین مکیان*، آزاده سعادت خواه**

دریافت: 1390/6/7 پذیرش: 1390/9/25

چکیده

تعاریف متعددی از مفهوم فقر ارائه شده که از نظر روش شناختی ماهیت متفاوتی دارند. همچنین، روش‌های متفاوتی برای اندازه‌گیری حداقل معاش ارائه شده است. یکی از این تعاریف، خط فقر نسبی است که عبارتست از عدم توانایی خانوارها در تأمین یک سطح معین از استانداردهای زندگی که لازم و مطلوب تشخیص داده می‌شود. در این پژوهش، برای برآورد حداقل معاش در مناطق شهری یزد از مؤلفه‌های هشت گروه اصلی کالایی شامل: خوراکی‌ها، پوشاک، مسکن، لوازم و اثاثه، بهداشت و درمان، حمل و نقل، تفریح و تحصیل و گروه متفرقه به همراه شاخص قیمت آنها که توسط مرکز آمار ایران منتشر شده، استفاده کرده‌ایم. برای تخمین حداقل معاش از روش تابع تقاضای سیستم مخارج خطی استفاده شده است. براساس برآورد این مطالعه حداقل معاش در مناطق شهری یزد برای سال 1379 - سال اول برنامه سوم - برابر 10,061,442 ریال بوده که در سال 1388 - سال پایانی برنامه چهارم توسعه - به رقم 33,585,819 ریال رسیده است. نتایج نشان می‌دهند که شاخص‌های نسبت سرشمار و نسبت شکاف درآمدی در سال 1379 به ترتیب 25/14 و 40/36 درصد بوده که در سال 1388 به 18/76 و 36/77 درصد رسیده است. هم‌طور با مقایسه میانگین شاخص استاندارد زندگی در سال‌های برنامه سوم توسعه با سال‌های برنامه چهارم در می‌یابیم که وضعیت فقر در برنامه چهارم نسبت به برنامه سوم توسعه یک درصد بهتر شده است؛ هر چند حداقل معاش در برنامه چهارم توسعه نسبت به برنامه سوم افزایش یافته است.

کلمات کلیدی: حداقل معاش، سیستم مخارج خطی، شاخص نسبت سرشمار، شاخص نسبت شکاف درآمدی.

طبقه‌بندی JEL: R58, C42.

Email: nmakiyan@yazduni.ac.ir

* استادیار گروه اقتصاد دانشگاه یزد، نویسنده مسئول

Email: azadehsaadatkah@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه یزد

مقدمه

در دهه های اخیر کاهش فقر به یکی از مباحث مهم در متون توسعه تبدیل شده است. تعدادی از محققان اقتصاد مثل اموانو و همکاران¹ (1999)، بر این عقیده هستند که مبارزه با فقر شرط لازم برای رشد است. با این حال، برنامه‌های مبارزه با فقر همان اندازه که به کارایی سیاست‌گذاری و نحوه اجرای برنامه نیاز دارد، به شناخت ابعاد مختلف پدیده فقر و دلایل و پیامدهایش نیز نیاز دارد. بررسی و آگاهی از وضعیت فقر در یک جامعه اولین قدم در مسیر برنامه ریزی برای مبارزه با فقر و محرومیت است (خالدی و پرمه، 1384؛ عرب مازار و حسینی نژاد، 1383).

اندازه گیری فقر به دو دلیل اساسی مهم است: الف) هدفمند سازی² انواع کمک‌ها به اقشار محروم و آسیب پذیر؛ ب) بررسی روند و نحوه تغییرات شدت فقر در طول زمان و یا در مکانهای مختلف. در این میان دولت به عنوان نهادی که در تلاش است تا با تخصیص منابع مالی، اقشار فقیر را یاری کند، نیازمند شناسایی هرچه دقیقتر گروه هدف است. بدین ترتیب با در نظر گرفتن محدودیت مالی دولت، باید روشهایی را برای شناسایی فقر انتخاب کرد که فقیرترین فقرا³ در اولویت برنامه فقرزدایی قرار گیرند. با طرح چنین ایده ای تحقیقات وسیعی پس از اواسط دهه 70 میلادی و با انتشار مطالعات سن⁴ (1979) آغاز شد. از اواخر دهه 70 و بویژه با شروع دهه 80 بدلیل پذیرش برنامه اصلاح ساختاری، آزاد سازی و خصوصی سازی توسط بسیاری از کشورهای جهان، فقر و حمایت از گروههای آسیب پذیر با شدت بیشتری مورد توجه قرار گرفت. بسیاری از اندیشمندان بر این گمان بودند و هستند که اجرای برنامه های اقتصادی فوق الذکر، گروههای کم درآمد را متأثر می سازد و فقر را افزایش می دهد. در چنین وضعیتی و به منظور جلوگیری از توسعه فقر،

1. Emwano, et al. (1999)

2. Targetting

3. Poorest of the Poor

4. Sen (1979)

نهاد های بین المللی و منطقه ای اقدامات نمادین و عملی را در پیش گرفتند. برای مثال سازمان ملل دهه 2006 - 1997 را دهه ریشه کنی فقر نام نهاد. بانک جهانی برای تحقق دنیایی رها از فقر، جهانیان را برای اقدام مؤثر برای حذف گرسنگی با توسعه پناهگاه و مسکن و برخورداری عمومی از بهداشت، مسکن و آموزش دعوت نمود. در سال 1997 اعضای اسکاپ¹ تعهد کردند که اقدامات لازم برای ریشه کنی فقر تا سال 2010 را انجام دهند.

با توجه به ضرورت و اهمیت مقابله با فقر لازم است از دو جنبه نظری و عملی موضوع فقر مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. تصمیم گیری درباره مبارزه با فقر و تخصیص اعتبارات لازم برای کاهش آن ارتباط فراوانی با شاخص منتخب برای اندازه گیری خط فقر و نحوه محاسبه میزان خط فقر دارد. براین اساس شناخت فقر و ویژگیهای آن در تصمیم گیری بسیار تأثیر خواهد داشت. پژوهش حاضر نیز به همین منظور تدوین و از پنج بخش کلی تشکیل شده است. در بخش اول پس از مقدمه به بررسی مفهوم فقر و خط فقر پرداخته خواهد شد؛ در بخش دوم مروری بر مطالعات گذشته مد نظر قرار خواهد گرفت؛ بخش سوم به مبانی نظری تحقیق اختصاص داده شده است؛ در بخش چهارم با استفاده از داده ها و آمار مربوط به هزینه و درآمد خانوارها به برآورد حداقل معاش پرداخته خواهد شد و در پایان به بیان نتایج و ارائه پیشنهادات خواهیم پرداخت.

مروری بر ادبیات موضوع

مفهوم فقر

بدلیل ماهیت پیچیده و چند بعدی فقر، در منابع موجود و پژوهشهای انجام شده، تعاریف متفاوتی برای فقر ارائه شده است. اما همه به نوعی به هنجاری² بودن مقوله فقر تأکید دارند و معتقدند تنها با تعاریف از پیش تعیین شده می توان فقیر را از غیر فقیر جدا نمود.

1. اسکاپ (ESCAP): یکی از پنج کمیسیون منطقه ای سازمان ملل متحد است که به منظور ایجاد زمینه های همکاری و تفاهم در مسائل اجتماعی و اقتصادی بین کشورهای منطقه و راهنمایی و مساعدت به آنها تأسیس شده است.

فقر همیشه حاکی از مقایسه ای بین یک مشاهده و یک شرط از پیش تعیین شده است. علت این تفاوتها را نیز می توان نخست ناشی از نوع تفکر در مورد فلسفه وجودی انسان، نقش اجتماعی او، برداشت از مفهوم عدالت اجتماعی، باور به اصالت فرد یا اصالت جمع، شرایط زیست بومی و امثال آن (بولتوینیک¹، 1999) و دوم نیازهای متنوع انسانی که فقدان هریک منجر به تعریف جدیدی از فقر می شود، دانست. نیازهای انسانی بر حسب شرایط زمانی، مکانی، مرحله پیشرفت و تمدن، شرایط فنی و سطوح فرهنگی و غیره تغییر می یابند.

نیازهای مادی و معنوی انسان مانند تغذیه مناسب، آموزش و پرورش، مسکن، داشتن شغل و تضمین امنیت هریک میتواند در رابطه با فقر قرار گیرد. بنابراین می توان گفت فقر پدیده ای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که از فقدان یا ناتوانی در تأمین حداقل نیازهای انسانی ناشی می شود و فقیر به کسی اطلاق می شود که فاقد قابلیت و توانایی کافی برای تأمین ضروریات و نیازهای زندگی باشد.

اما ضروریات زندگی، خود مسئله ایست که توافق کامل در مورد آن وجود ندارد، بطوریکه می تواند سطوح مختلفی از نیازها را در بر گیرد. به بیان دیگر، نیاز نیز خود یک مفهوم پویا بوده و با پیشرفت علوم و تکنولوژی و تمدن بشری متحول میشود و شکل ها و اقسام گوناگونی به خود می گیرد. اورشانسکی² (1969) معتقد است "تشخیص فقر، همانند زیبایی بستگی به نگاه بیننده دارد" (نقل قول شده در سن، 1979). اما براساس نظر سن در این صورت موضوع اساساً ذهنی خواهد بود و به برداشت شخصی فرد و نظر او در مورد آمار فقر بستگی خواهد داشت.

تانسند³ (1979) در مطالعات خود در خصوص فقر، آن را به صورت فقدان یا نامناسب بودن تغذیه، امکانات زندگی، خدمات و فعالیت های معمول و متداول در یک جامعه

1. Boltivnik (1999)

2. Orshansky (1969)

3. Townsend (1979)

تعریف می نماید. آتکینسون¹ (1989) برای فقر دو مفهوم در نظر دارد. در مفهوم اول، فقر به عنوان عدم دسترسی به امکانات معیشتی معین است که طبق آن هرگاه کل هزینه ها یا میزان مصرف کالاهایی خاص توسط فرد از حد معینی کمتر باشد، وی فقیر تلقی می شود. در مفهوم دوم حق برخورداری از منابع و امکانات اجتماعی - اقتصادی است که اگر درآمد فرد از میزان معینی پایین تر باشد، به آنها دسترسی نخواهد یافت.

در گزارش توسعه جهانی بانک جهانی (مبارزه با فقر، 2001-2002)، مشاهده میشود که فقر چیزی فراتر از عدم تکافوی درآمد یا توسعه انسانی پایین است. فقر همان آسیب پذیری، فقدان قدرت و ابراز عقیده می باشد (بانک جهانی، 1381). فقیر بودن یعنی گرسنه بودن، نداشتن سرپناه و پوشاک، بیمار بودن و درمان نشدن، بیسواد بودن و مدرسه نرفتن، نداشتن شغل، هراس از آینده، از دست دادن کودک بخاطر دسترسی نداشتن به آب پاکیزه که البته همه این محرومیت ها آنچه را که از نظر سن "قابلیت های یک فرد محسوب می شود" محدود می کند. فقرا در مقابل وقایع ناسازگار بیرون از اراده خود آسیب پذیرند و اغلب نهادهای حکومتی و جامعه با آنان بدرفتاری دارند (بانک جهانی، 1381).

با توجه به تنوع دیدگاهها در این زمینه میتوان گفت که فقر تعاریف بسیار گسترده ای دارد. اما از آنجا که در یک پژوهش علمی ارائه هر فرضیه مبتنی بر دو اصل تبیین و پیش بینی است و همچنین چون زاویه دید ما صرفاً اقتصادی است، نوع نگرش مان به فقر نیز، باید نیازهایی باشد که کاملاً به شرایط اقتصادی وابسته اند. یعنی نیازهای مادی، که البته تعیین نیازهای مادی هم خود بحث های بسیاری به همراه دارد، چرا که اصولاً نیازهای مادی افراد مختلف با شرایط مختلف با هم متفاوت است. از این رو محقق ناچار به ارائه یک تعریف عملیاتی از فقر است تا براساس آن امکان محاسبه میزان فقر فراهم شود.

1. Atkinson (1989)

خط فقر

نگاهی به نوشتارها و مطالعات صورت گرفته در زمینه فقر نشان می‌دهد که توافق عام و کلی روی تعریف خاصی از فقر وجود ندارد، زیرا که نیازها و خواسته‌های مادی و غیر مادی افراد در زمان و مکان‌های مختلف متفاوت است. بنابراین ارائه تعریف واحدی از فقر که بتواند در مقطع زمانی خاص برای جوامع مختلف صدق کند دشوار است. لذا برای مشخص کردن فقرا از غیر فقرا از ابزار خط فقر می‌توان استفاده نمود. خط فقر مطلق به مفهوم سطح ثابتی از درآمد حقیقی است که یک حداقل کافی از استاندارد زندگی را برای یک خانوار تأمین می‌کند (کازرونی، 1375). مطابق تعریف سازمان ملل متحد، خط فقر میزان درآمدی است که علاوه بر تأمین حداقل نیازهای اولیه و ضروری مانند غذا، پوشاک، مسکن، تحصیل، همچنین فرهنگ و تفریح را نیز می‌پوشاند (پروین و زیدی، 1380). به عبارت دیگر خط فقر مقدار درآمدی است که با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه مورد بررسی، برای تأمین حداقل نیازهای ضروری افراد مانند غذا، پوشاک و مسکن لازم است (ابوالفتحی قمی، 1371).

مارتین راولیون¹ (1998)، خط فقر را به صورت مخارجی که یک فرد در یک زمان و مکان معین برای دسترسی به یک سطح رفاه مرجع متحمل می‌شود، تعریف می‌کند. افرادی که به این سطح رفاه دسترسی ندارند، فقیر و کسانی که به این سطح دسترسی دارند، غیر فقیر تلقی می‌شوند.

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات خارجی

اسدزاده و ساتیا پل (2001)، در پژوهشی تحت عنوان فقر، رشد و توزیع مجدد؛ مطالعه موردی ایران، به تغییرات فقر در ایران طی سالهای 1993-1983 پرداخته‌اند که مبتنی بر

1. Ravallion, Martin (1998)

آمارهای هزینه-درآمد خانوار برای سالهای 1983، 1988 و 1993 می باشد. در این پژوهش از خاصیت تجزیه پذیری شاخص های گروه فوستر، گریر و توربک¹ برای بررسی میزان سهم گروههای مختلف شغلی و منطقه ای در فقر کل، بهره گرفته شده است. یافته های این تحقیق که براساس محاسبه خط فقر مطلق بدست آمده است، حاکی از آن است که طی دوره مورد بررسی فقر روستایی به میزان کمی کاهش یافته است. اما مناطق شهری شاهد افزایش شاخص های فقر بوده است. همچنین در سال 1988 هم در مناطق شهری و هم در روستاها با افزایش قابل ملاحظه شاخص ها مواجه بوده اند.

سازمان خدمات بهداشتی و انسانی آمریکا² (2004)، در گزارشی تحت دو عنوان اساسی درباره اندازه گیری فقر بحث میکند اما سؤالات اساسی که در راهبردهایی برای فقر آمده و بررسی شده است را می توان بدین صورت زیر خلاصه کرد؛ تعریف واحدی از درآمد که درباره فقر مورد استفاده قرار گیرد، تعداد افراد فقیر، حدود فقر و مرزهای فقر، چگونگی توسعه حدود فقر توسط اورشانسکی، تعریف تخمینی و رسمی دولت فدرال از فقر. این گزارش پیشنهادی از تعریف جدید فقر و توسعه های متعاقب آن می دهد و همچنین به کشش درآمدی خط فقر می پردازد.

کریستین، اد³ (2004)، در گزارشی به بررسی اثرات منفی سیاستهای تجاری اعمال شده بر مردم فقیر از سوی ملت های ثروتمند و موسسات جهانی می پردازد و با این سؤال که راهی برای تجارت که به مردم فقیر سود برساند کدام است، به بحث می پردازد. برای مثال آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را یک راه موجود و امکان پذیر به سوی پیشرفت معرفی کرده و استدلال می کند که مداخله دولت هدفمند و برنامه دار می تواند نقش مثبتی در کمک به جوامع در حال پیشرفت توأم با از بین بردن فقر داشته باشد.

1.Foster, Greer and Thorbecke

2.United States Department of Health and Human Services (2004)

3.Ed, Christian (2004)

چیم هائو¹ (2009)، در مقاله‌ای تحت عنوان فقر به بیان انواع مختلف فقر (مطلق، نسبی، شدید، ناپایدار) پرداخته و روشهای مختلف اندازه‌گیری فقر را بیان نموده است. برخلاف پیشکسوتان موضوع فقر مانند بوت²، راونتری³ و هانتز⁴ که فقر را تنها به صورت یک بعدی تعریف میکنند و آن را فقدان درآمد کافی برای خرید حداقل کالاها و خدمات می‌دانند، چیم هائو معتقد است که باید فقر به صورت گسترده‌تر نگاه شود و آن را به صورت فقدان قابلیت‌ها برای زندگی کردن در سطح خوب تعریف نمود. در قسمت دوم این مقاله تئوری‌های موجود در رابطه با فقر مورد بررسی قرار گرفته است.

داکلاس و گیلز⁵ (2009)، در مقاله‌ای تحت عنوان فقر شدید و ناپایدار به اندازه‌گیری و تخمین فقر در چین پرداخته‌اند. در این مقاله اندازه‌گیری فقر در سه مرحله انجام شده است. در مرحله اول دیدگاه جدیدی را بیان می‌نماید که در این دیدگاه فقر را به دو بخش شدید و ناپایدار تقسیم می‌نماید. در مرحله دوم به معرفی ابزار اندازه‌گیری می‌پردازد تا بتوان فقر را تخمین زد و در مرحله سوم با استفاده از این ابزار و با استفاده از داده‌های 17 سال در چین و با بکارگیری روش داده‌های تابلویی به تخمین میزان فقر در چین می‌پردازد که نتایج حاکی از تفاوت قابل توجه میان فقر شدید و ناپایدار میباشد.

(ب) تحقیقات داخلی

خداداد کاشی (1384)، به برآورد خط فقر در ایران طی سالهای 1379-1363 پرداخته است. در این پژوهش خط فقر مطلق و نسبی از روشهای متنوعی محاسبه گردیده است و نتایج روشهای مختلف با یکدیگر مقایسه شده است. خط فقر مطلق براساس نیاز به کالری و بر پایه نیاز به آن به میزان 2179 و 2300 کالری محاسبه گردیده است.

1.Chimhowu 2009)
2.Booth
3.Rowentree
4.Hunter
5.Duclos & Giles (2009)

همچنین خط فقر به روش معکوس ضریب انگل و ضریب انگل تعدیل یافته محاسبه شده است که ضریب انگل براساس الگوهای اقتصاد سنجی برای هریک از سالهای دوره 1363-1379 تخمین زده شده است. همچنین خط فقر نسبی براساس روش 50 درصد و 66 درصد میانه و میانگین برای هریک از سالهای مورد بررسی تعیین گردیده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که خط فقری که بر پایه مفهوم مطلق ساخته می شود کوچکتر از خط فقری است که بر مفهوم نسبی فقر استوار است. همچنین در تمامی روشها خط فقر شهری در تمامی سالها بزرگتر از خط فقر روستایی بوده است. بعلاوه با مقایسه میزان افزایش خط فقر نسبی و مطلق طی سالهای مورد مطالعه نتیجه گیری شده است که نابرابری در توزیع درآمد (که خط فقر نسبی متأثر از آن است) در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی افزایش یافته است.

محمدی و همکاران (1386)، با استفاده از سیستم مخارج خطی به اندازه گیری حداقل معاش در مناطق شهری استان ایلام پرداختند و به این نتیجه رسیدند که حداقل معاش در مناطق شهری استان ایلام در سال 1374 برابر 6460500 ریال بوده که در سال 1383 این رقم به 27287271 ریال رسیده است.

ابونوری و مالکی (1387)، به برآورد خط فقر در استان سمنان طی برنامه‌های توسعه اول، دوم و سوم با استفاده از روش سیستم مخارج خطی پرداختند، به طوری که با تقسیم بندی کالاها و خدمات مصرفی خانوارها بر حسب مناطق شهری و روستایی به هشت گروه اصلی، خط فقر را در مناطق شهری و روستایی استان در طول سالهای 1368-1383 را برآورد کرده‌اند و به این نتیجه می‌رسند که خط فقر طی سه برنامه توسعه مورد بررسی در مناطق شهری و روستایی استان سمنان روند افزایشی داشته و علت اصلی این افزایش نرخ بالای تورم بوده است.

امینی و فخر حسینی (1388)، به بررسی رفتار مصرف کنندگان مناطق شهری و روستایی استان کردستان در مقایسه با کل کشور با استفاده از تابع تقاضای سیستم مخارج

خطی و روش سیستم معادلات به ظاهر نامرتبط در دوره زمانی 86-1369 پرداخته اند. نتایج نشان می‌دهد بیشترین میل نهایی به مخارج فرامعیشی در مناطق شهری و روستایی استان کردستان و مناطق روستایی کشور مربوط به گروه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات و در مناطق شهری کشور مربوط به گروه سایر می‌باشد. همچنین مجموع حداقل معاش برای مناطق شهری و روستایی استان کمتر از مناطق شهری و روستایی کشور است.

مبانی نظری تحقیق

تابع تقاضای سیستم مخارج خطی

در سال 1948 کلاین و روین¹ دستگاهی از توابع تقاضا را ارائه کردند که بعدها پایه نظری بسیاری از مطالعات تجربی تقاضا گردید و اصطلاحاً سیستم مخارج خطی نام گرفت. متعاقباً ساموئلسن و گیری² طی مقاله‌هایی نشان دادند که دستگاه فوق‌الذکر بر مبنای تابع مطلوبیتی به شکل ذیل استوار است³:

$$u = \prod^n (q_i - \delta_i)^{\beta_i} \quad (q_i - \delta_i) > 0 \quad \beta_i > 0 \quad \sum \beta_i = 1$$

آنچه این تابع مطلوبیت بیان می‌کند، این است که مجموع مطلوبیتی که مصرف‌کننده از مصرف سبدهی از کالاها دریافت می‌کند تابعی از حاصل ضرب مازاد مصرف هر کالا بر حداقلی از مصرف آن کالا است و سهم این مازاد در مطلوبیت کل با توانی مانند β_i همراه است. لذا زمانی از مصرف کالا رضایت پیدا می‌شود که مصرف از حداقلی که به عنوان حداقل معاش تعبیر می‌شود، تجاوز کند. طبیعی است که مطلوبیت حاصل از کالاهای گوناگون، متفاوت می‌باشد. لذا β_i نشانگر سهم نهایی مطلوبیت کالای i ام می‌باشد که به صورت کمیت ثابتی در نظر گرفته شده است. تابع فوق از نوع CES می‌باشد و شرط

1. Klein & Rubin (1948)

2. Samuelson & Geary

3. برای مطالعه بیشتر به امینی، صفیاری و فخر حسینی، سید فخرالدین (1388)، "حداقل معیشت در مناطق شهری و روستایی کشور و استان کردستان"، فصلنامه علمی - پژوهشی مدل‌سازی اقتصادی، شماره پنجم مراجعه شود.

$\sum \beta_i = 1$ شکل تابع را شبه مقعر می سازد.

با توجه به رتبه ای بودن¹ مطلوبیت، یک تبدیل یکنواخت از رابطه بالا نیز می تواند بر همان دستگاه ترجیحات دلالت داشته باشد (تبدیل یکنواخت تابع مطلوبیت که بر روی مقدار حداکثر آن تأثیر نخواهد گذاشت). لذا با لگاریتم گیری از رابطه فوق و اندک تغییرات به تابع ذیل دست پیدا می کنیم که به لحاظ کاربردی مناسب تر است.

$$u = \sum^n \beta_i \log(q_i - \delta_i)$$

با حداکثر کردن تابع مطلوبیت فوق نسبت به قید بودجه $I = \sum^n p_i q_i$ تابع تقاضای

ذیل بدست می آید:

$$q_i = \delta_i + \frac{\beta_i}{p_i} \sum (p_i q_i - p_i \delta_i) \quad (1)$$

با ضرب کردن رابطه فوق در p_i دستگاه تقاضا برای n کالا به دست می آید که در آن مخارج صرف شده برای کالای i ام تابعی از قیمت کالا، قیمت سایر کالاها و درآمد (مخارج کل) است:

$$C_i = p_i q_i = p_i \delta_i + \beta_i \sum (p_i q_i - p_i \delta_i) \quad (2)$$

تابع تقاضای مذکور بدین صورت است که، مخارج صرف شده بر روی i امین کالا به

دو جزء تقسیم می شود:

1) جزء مربوط به حداقل معاش یعنی میزان مخارجی که برای مصرف کننده الزامی است $(p_i \delta_i)$.

2) جزء مربوط به مخارج فرامعیشتی که نشانگر مخارجی است که مصرف کننده به اختیار خود بر روی i امین کالا صرف کرده است. به عبارت دیگر با توجه به میزان مخارج (درآمد) و بردار قیمتها، مصرف کننده مخارج فرامعیشتی خویش را $(I - \sum p_i \delta_i)$ به خرید کالاهای مختلف اختصاص می دهد که سهم نهایی $(\frac{\partial E_i}{\partial E})$ این تخصیص برای

آمین کالا ضریب β_i است. β_i را میل نهایی به مصرف در ارتباط با درآمد فرامعیشی میتوان تفسیر کرد.

روش تحقیق

در این تحقیق برای تعیین حداقل معاش از تابع سیستم مخارج خطی استفاده شده، بطوری که در مرحله اول توابع انگل برای شش گروه کالایی به روش داده های تابلویی برآورد شده و در مرحله بعد نیز تابع تقاضای سیستم مخارج خطی به روش داده های تابلویی تخمین زده میشود. داده های مورد استفاده برای محاسبه حداقل معاش خانوارها در مناطق شهری استان برای تعیین خط فقر و شاخص های فقر در برگیرنده موارد زیر هستند:

1- آمار بودجه (درآمد - هزینه) خانوار شهری استان یزد در دوره 1379-1388.

2- شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوار شهری استان.

3- تعداد خانوار شهری استان به تفکیک گروههای هزینه ای.

4- دهکهای هزینه ای کشور در دوره 1379-1388.

با توجه به داده های موجود و استفاده از دستگاه سیستم مخارج خطی به برآورد خط فقر نسبی در مناطق شهری استان یزد طی سالهای 1379-1388 یعنی برنامه های سوم و چهارم توسعه با استفاده از روش داده های تابلویی می پردازیم. سپس با استفاده از نتایج آن، شاخص های نسبت سرشمار و نسبت شکاف درآمدی محاسبه می گردد.

تعیین حداقل معاش با استفاده از برآورد پارامترهای سیستم مخارج خطی

برای تعیین حداقل معاش ابتدا لازم است مشخص شود که عرض از مبدأ بین مقاطع مختلف داده های مورد مطالعه، متفاوت است یا ثابت؟ نتایج آزمون نشان می دهد که عرض از مبدأ در مقاطع به صورت ثابت می باشد. لذا از مدل داده های تابلویی با اثرات ثابت، پارامترهای سیستم مخارج خطی برآورد می شود. استفاده از اثرات ثابت به این دلیل است که از آمار هزینه خانوار به عنوان جانشینی برای درآمد استفاده میکنیم و به دلیل چسبندگی هزینه

خانوارها، تفاوت در بین مقاطع اندک و ثابت خواهد بود. همچنین، در رابطه شماره 2، δ_i حداقل مصرف کالای i ام و $\sum_{i=1}^n P_i \delta_i$ مجموع مخارج لازم برای حداقل معاش و β_i میل نهایی به مصرف مازاد درآمد حداقل معاش (میل نهایی به مخارج فرامعیشتی) می باشد (هندرسن کوانت، 1381). در رابطه فوق I_i ، P_{ii} و C_{ii} ها معلوم، اما δ_i و β_i پارامترهای مجهول رابطه سیستم مخارج خطی هستند و باید با استفاده از روابط اقتصادسنجی برآورد شوند. این رابطه، یک رابطه غیر خطی نسبت به پارامترها است. لذا برآورد پارامترها به دو قسمت تقسیم می شود. در بخش اول ابتدا با استفاده از توابع انگل، β_i ها برآورد، سپس β_i های بدست آمده در رابطه 2، جایگذاری می شود. در این حالت رابطه فوق نیز نسبت به پارامتر δ_i رابطه ای خطی به خود می گیرد که با استفاده از رابطه 2، δ_i ها برآورد می شود. با توجه به مطالب فوق، ابتدا پارامتر β_i را با استفاده از توابع انگل برآورد می کنیم.

الف) برآورد β_i

در گام نخست برای برآورد میل نهایی به مخارج فرامعیشتی (β_i)، از تخمین توابع انگل برای شش گروه هزینه ای استفاده شده است. فرم تابعی منحنی انگل خاص سیستم مخارج خطی طبق رابطه شماره 3 می باشد.

$$C_{it} = \alpha + \beta_i TC_i \quad (3)$$

برای برآورد مدل از آمار مخارج دهکهای هزینه ای که توسط مرکز آمار ایران منتشر می شود، استفاده کرده ایم. در رابطه بالا C_i : مخارج دهک هزینه ای گروه کالایی i ام و TC_i مجموع مخارج دهکهای هزینه ای در هشت گروه کالایی می باشد. در برآورد مدل موارد زیر قابل ذکر است:

به دلیل افزایش درجه آزادی، گروههای هشت گانه به شش گروه تقلیل یافته اند که عبارتند از: خوراکی ها، مسکن، لوازم و اثاثه، بهداشت و درمان، پوشاک و سایر. گروه سایر شامل: حمل و نقل و ارتباطات، تفریحات و سرگرمی ها و خدمات فرهنگی و سایر

کالاها و خدمات متفرقه می شود. جهت محاسبه شاخص قیمت گروه سایر از میانگین وزنی استفاده شده، به طوری که

$$w_i = \frac{E_i}{E_{other}} \quad P_{other} = \sum w_i P_i \quad E_{other} = \sum_i E_i \quad i=(6,7,8) \quad (4)$$

E_i : مخارج گروه کالایی P_{other} : شاخص قیمت گروه سایر

P_i : شاخص قیمت گروه کالایی i

در برآورد این مدل با توجه به اینکه این سیستم برای شش گروه کالایی نوشته می شود، در عمل و به هنگام برآورد مدل، به دلیل همبستگی اجزاء اخلاص و در نتیجه صفر شدن دترمینان کواریانس این اجزاء، باید یکی از معادلات را از مدل کنار گذاشت و به برآورد سایر معادلات مدل پرداخت. سپس پارامترهای معادله حذف شده را از طریق قید $(\sum \beta_i = 1)$ بدست آورد. نتایج در جدول زیر آمده است:

جدول 1: برآورد β_i گروههای کالایی

عنوان	خوراکی‌ها	پوشاک	مسکن	لوازم و اثاثه	بهداشت و درمان	سایر
β_i	0/157	0/05	0/31	0/049	0/086	0/34

منبع: محاسبات محقق

شایان ذکر است که β_i گروه مسکن را با استفاده از رابطه زیر محاسبه کرده ایم:

$$\sum \beta_i = 1 \quad 0/34 + 0/086 + 0/049 + \beta_{ho} + 0/051 + 0/157 = 1 \quad \beta_{ho} = 0/317$$

β_i به ازای هر افزایش هماهنگ در درآمد، میزان تغییرات در هزینه انجام شده در مورد کالاهای مختلف را نشان می‌دهد، یعنی مصرف کننده بیشتر مترصد و مستعد افزایش مخارج در مورد کدامیک از گروههای کالایی است. به بیان دیگر، ضرایب میل نهایی به مخارج در جدول شماره 1 نشان می دهد اگر مخارج فرامعیشتی خانوارها به طور متوسط 1000 ریال افزایش یابد، 157 ریال آن صرف خوراکیها، 51 ریال صرف پوشاک، 317 ریال

صرف مسکن، 49 ریال صرف لوازم و اثاثه، 86 ریال صرف بهداشت و درمان و 340 ریال آن صرف سایر می شود. بنابراین هرگونه افزایش درآمد در هر مقیاس به نسبت های مشخصی بین کالاهای مختلف توزیع می شود.

ب) برآورد حداقل معاش کالای i ام (δ_i)

برای برآورد δ_i ها از رابطه سیستم مخارج خطی استفاده می کنیم. همان طور که پیشتر بیان شد، تابع مطلوبیت استون-گری با در نظر گرفتن جملات اخلاص به صورت زیر خواهد بود:

$$u = \sum \beta_i \log[q_{it} - (\delta_i + v_{it})] \quad (5)$$

در نهایت با اعمال جایجایی هایی مدل برآوردی به صورت خواهد شد:

$$C_{it} = p_{it} q_{it} = p_{it} \delta_i + \beta_i (I_t - \sum \delta_i p_{it}) + e_{it} \quad (6)$$

همان گونه که مشاهده می شود، این مدل نسبت به متغیر قیمت و درآمد، خطی و نسبت به پارامتر β_i ، غیر خطی است که با جایگذاری β_i های برآورد شده در تابع فوق، مدل سیستم مخارج خطی نسبت به پارامتر β_i نیز خطی می شود. نکته قابل ذکر این است که δ_i در طول سالهای مختلف در این مدل ثابت بوده و تنها از کالایی به کالای دیگر متفاوت است. برای آشکار کردن δ_i ها از شاخص قیمت استفاده می کنیم، بدین ترتیب با ضرب δ_i در شاخص قیمت p_{it} حداقل مخارج سال t برای کالای i ام بدست می آید.

برآورد مدل

برای تخمین حداقل معاش رابطه شماره 6 را با استفاده از مدل داده های تابلویی با لحاظ اثرات ثابت برآورد می کنیم. نتایج به صورت زیر است:

جدول 2: برآورد حداقل معاش گروه های کالایی

عنوان	خوراکی ها	پوشاک	مسکن	لوازم و اثاثه	بهداشت و درمان	سایر
حداقل معاش گروههای کالایی	54507	14016	40248	12236	5303	38383
حداقل معاش سالانه گروههای کالایی	65163122	15714743	103489272	14008998	20258058	42732949
سهم گروههای کالایی از حداقل معاش	33/09	8/51	24/43	7/42	3/21	23/3

منبع: محاسبات محقق

همان طور که از جدول مشاهده می شود، حداقل معاش گروه خوراکی ها با 33/09 درصد رتبه اول و گروههای مسکن (24/43) و سایر با (23/3) درصد مقامهای بعدی را به خود اختصاص داده اند.

جدول 3: حداقل معاش سالانه مناطق شهری استان یزد

سال	خوراکی ها	پوشاک	مسکن	لوازم و اثاثه	بهداشت	سایر	سالانه
1379	3232266	1089044	2024475	878545	288484	2548632	10061446
1380	3466646	1140903	2402806	909135	332499	2778930	11030919
1381	4126180	1187156	2873708	960526	386589	3032257	12566416
1382	4769363	1278260	3404981	1053520	451816	3427602	14385542
1383	5450700	1401600	4024800	1223600	530300	3838300	16469300
1384	6055728	1463271	4491677	1367985	613558	4153041	18145260
1385	6846080	1646880	5095397	1524606	698406	4690403	20501772
1386	8328670	1889357	6174044	1769326	817193	5404327	24382917
1387	10841442	2286010	7896658	2190244	1007570	6436830	30658754
1388	12046047	2332262	9530726	2131511	1122645	6422627	33585818

منبع: محاسبات محقق

اندازه گیری حداقل معاش با استفاده از سیستم مخارج خطی / 61

برآورد نرخ رشد سالانه حداقل معاش نیز در مناطق شهری به صورت زیر می باشد:

جدول 4: نرخ رشد سالانه حداقل معاش در مناطق شهری استان یزد

سال	برنامه های توسعه	نرخ رشد سالانه حداقل معاش	نرخ تورم در کشور	متوسط نرخ رشد حداقل معاش	متوسط نرخ تورم
1379	برنامه سوم توسعه	-	-	13/12	14/52
1380		9/63	11/34		
1381		13/91	15/89		
1382		14/47	15/57		
1383		14/48	15/20		
1384	برنامه چهارم توسعه	10/17	10/4	15/47	15/08
1385		12/98	13/4		
1386		18/93	17/1		
1387		25/73	22/66		
1388		9/54	11/85		

منبع: محاسبات محقق

روند حرکت نرخ رشد سالانه حداقل معاش، بیانگر نوسان در نرخ افزایش حداقل معاش سالانه است؛ به طوری که در سال 1384، نرخ رشد حداقل معاش نسبت به سال 83 برابر 10/17 درصد بوده است؛ اما در سال 1387، حداقل معاش نسبت به سال 86 با نرخ 25/73 درصد رشد داشته است. جدول شماره 4 دلالت بر آن دارد که میزان افزایش حداقل معاش در سال های 1379 تا 1387 متفاوت بوده است و روند ثابتی را دنبال نکرده است. متوسط نرخ رشد حداقل معاش در برنامه سوم 13/12% و در برنامه چهارم 15/47% بوده است.

محاسبه شاخص های فقر در مناطق شهری استان یزد

در این قسمت دو شاخص فقر شامل شاخص نسبت سرشمار و شاخص فقر نسبت شکاف درآمدی توضیح داده و محاسبه می شود. برای محاسبه این شاخص ها، از آمار تعداد خانوارهای نمونه شهری استان یزد برحسب گروههای هزینه سالانه که توسط مرکز آمار ایران منتشر می شود، استفاده نموده ایم.

الف) شاخص نسبت سرشمار

رایج ترین شاخص فقر تا سال 1970 نسبت سرشمار¹ فقر بوده است. این شاخص عبارت است از نسبت تعداد افراد فقیر (زیر خط فقر)، q به کل افراد در جامعه (N)، یعنی $H = \frac{q}{N}$ ، اندازه این شاخص بین صفر تا یک تغییر می کند. زمانی شاخص صفر است که درآمد کلیه افراد جامعه از خط فقر برآورد شده آن جامعه بیشتر باشد و در شرایطی برابر با یک می باشد که تمام افراد جامعه زیر خط فقر زندگی کنند. نتیجه محاسبه این شاخص در جدول زیر آمده است. بالاترین درصد افراد فقیر مربوط به سال 1379 بوده که در آن 25 درصد خانوارهای نمونه گیری در آمار استفاده شده زیر خط فقر بوده اند و پایین ترین درصد افراد فقیر مربوط به سال 1382 بوده که برابر با 13 درصد است.

1. Relative Index

جدول 5: شاخص درصد افراد فقیر در مناطق شهری استان یزد (شاخص نسبت سرشمار)

برنامه توسعه	سال	شاخص درصد افراد فقیر (درصد)	متوسط درصد افراد فقیر در برنامه های سوم و چهارم توسعه
برنامه سوم	1379	25/14	19/46
	1380	23/8	
	1381	18/85	
	1382	13/04	
	1383	16/5	
برنامه چهارم	1384	19/5	18/07
	1385	16/58	
	1386	17/75	
	1387	20/93	
	1388	18/76	

منبع: محاسبات محقق

ب) شاخص شکاف درآمدی

سن (1976) به شاخص دیگری از عمق یا شدت فقر دست یافت که نسبت شکاف درآمدی¹ نامیده می شود. این شاخص به صورت نسبت میانگین شکاف درآمدی افراد فقیر نسبت به خط فقر تعریف می شود و برابر است با:

$$I = \frac{1}{qz} \sum_{i=1}^q (z - y_i) = \frac{z - \bar{y}_p}{z}$$

I : شاخص نسبت شکاف درآمدی \bar{y}_p : متوسط درآمد فقرا z : خط فقر

این نسبت به صورت درصدی از خط فقر بیان می شود که گویای آن است که درآمد متوسط اقشار فقیر جامعه چقدر باید افزایش یابد تا فقر کاملاً از بین برود.

1. Income Gap Ratio

نتایج حاصل از برآورد شاخص نسبت سرشمار تنها درصد افراد فقیر در جامعه را نشان می‌دهد. اما هیچ تصویری از میزان و یا عمق فقر در جامعه را ترسیم نمی‌کند. به عبارت دیگر فقط میتوان فهمید چند درصد افراد جامعه فقیر هستند، در صورتیکه شاخص شکاف درآمدی میزان پول یا درآمدی است که باید به افراد فقیر انتقال یابد تا فقر ریشه کن شود. با این شاخص می‌توان مشخص نمود که چقدر باید کمک مالی به هر خانوار فقیر و یا کل خانوارهای فقیر نمود تا از خط فقر خارج شوند.

جدول 6: شاخص نسبت شکاف درآمدی مناطق شهری استان یزد

برنامه توسعه	سال	شاخص نسبت شکاف درآمدی (درصد)	میانگین شاخص نسبت شکاف درآمدی
برنامه سوم	1379	40/36	39/64
	1380	45/60	
	1381	46/28	
	1382	28/97	
	1383	37	
برنامه چهارم	1384	35/82	35/37
	1385	34/09	
	1386	35/92	
	1387	34/27	
	1388	36/77	

منبع: محاسبات محقق

کمترین میزان این شاخص در سال 1382 بوده که برابر با 29 درصد می‌باشد و بیشترین میزان آن در سال 1381 بوده است. شایان ذکر است که 29 درصد بدین معنی می‌باشد که درآمد افراد را اگر به میزان 29 درصد افزایش دهیم این شکاف درآمدی پر شده و این افراد از خط فقر خارج میشوند. اهمیت این شاخص در این است که شدت و عمق فقر را نشان می‌دهد. بنابراین میزان کمتر این شاخص نشان‌دهنده شدت و عمق کمتر فقر

می باشد. میزان شاخص شکاف فقر در سال های مختلف روند ثابتی را دنبال نموده است. اما با مقایسه ارقام می توان پی برد که وضعیت فقر در برنامه چهارم نسبت به برنامه سوم حدود 1% بهبود یافته است.

جمع بندی و نتیجه گیری

این مطالعه با هدف تعیین حداقل معیشت مناطق شهری استان یزد در دوره زمانی 1388-1379 انجام یافت. نتایج نشان داد که بیشترین میل نهایی به مخارج فرامعیشتی مربوط به گروه سایر (شامل: حمل و نقل، تفریح و تحصیل و متفرقه) بوده به نحوی که در مناطق شهری استان یزد 34 درصد از مخارج فرامعیشتی صرف این گروه کالایی می شود. پس از گروه سایر، مسکن با سهم هزینه نهایی 0/317 در ردیف دوم جای دارد. کمترین سهم نیز به گروه لوازم و اثاثه با سهم هزینه نهایی 0/049 تعلق دارد. براساس داده های بدست آمده برای پارامتر (β_i) مربوط به میل نهایی به مخارج فرامعیشتی چنین بر می آید که رونق اقتصادی و یا هرگونه رشدی در درآمد خانوارها که منجر به افزایش درآمد فرامعیشتی خانوار گردد، بیشترین مصرف را در وهله اول بر هزینه های سایر و در درجه دوم بر تقاضای مسکن خواهد گذاشت.

با نگاهی به ارقام مربوط به حداقل معاش در مناطق شهری استان یزد می توان روند کلی حداقل معاش را به صورت زیر بیان کرد:

الف) در ابتدای برنامه پنج ساله سوم، حداقل معاش سالانه برابر 10061442 ریال بوده که در پایان برنامه یعنی در سال 1383 به رقم 16469300 ریال افزایش یافته است. این تغییرات بیانگر نرخ رشد متوسط سالانه حدود 11 درصد است. در سال های اول برنامه سوم، حداقل معاش سالانه با نرخ فزاینده افزایش یافته، اما در سال های پایانی برنامه سوم یعنی 1382 و 1383 حداقل معاش با نرخ کاهنده، افزایش یافته است. بالاترین نرخ رشد حداقل معاش در برنامه سوم توسعه مربوط به سال 1383 بوده است.

ب) در سال 1384 که اولین سال برنامه چهارم توسعه است حداقل معاش سالانه برابر

18145257 ریال بوده که در سال 1388 به 33585819 ریال رسیده است که نرخ رشد متوسط سالانه آن برابر 16 درصد می باشد. پایین ترین نرخ رشد سالانه مربوط به سال 1388 است.

آنچه از مقایسه دو برنامه نتیجه می شود این است که هرچند حداقل معاش سالانه افزایش یافته است، اما نرخ رشد سالانه حداقل معاش در برنامه چهارم نسبت به برنامه سوم در استان یزد بیشتر بوده و این امر بیشتر به علت رشد قیمت ها در برنامه چهارم بوده است. همچنین نتایج نشان میدهد که میزان شاخص های فقر از آغاز تا انتهای دوره مورد مطالعه کاهش چشمگیری نداشته و همچنان درصد بالایی (حدود 19 درصد) از جمعیت شهری زیر خط فقر قرار داشته اند. در مقایسه میانگین شاخصهای درصد افراد فقیر، نسبت شکاف فقر در مناطق شهری طی برنامه سوم و چهارم توسعه، نشان از کاهش فقر در برنامه چهارم نسبت به برنامه سوم توسعه دارد که این کاهش حدود 1% بوده است.

در مجموع، نتیجه ای که از این تحقیق استنباط میشود این است که، با توجه به صرف منابع و هزینه های زیاد در استان که عمدتاً برای ایجاد اشتغال و رفاه بوده است، طبق یافته های این تحقیق طی دو برنامه توسعه یعنی برنامه های سوم و چهارم تنها یک درصد از میزان فقر در جامعه کاسته شده است. بنابراین سیاستگذاران اقتصادی بررسی نمایند که آیا با توجه به صرف منابع فراوان انسانی و مالی کاهش فقر طی دو برنامه توسعه به میزان حدود یک درصد از افراد جامعه شهری استان قابل قبول می باشد؟

منابع

- 1- Abolfathi, L. (2006) "The Scale of Poverty in Iran", Expediency Discernment Council.
- 2- Abunuri, E. and Maliki, N. (2008) "Poverty Line in the Semnan Province of Iran During the Development Programs (1989-2004)", Journal of Social Welfare, 28, pp. 112-125.
- 3- Akbarian, R. and Famkar, M. (2011) "The Association between Income Inequality, Education Expenditures and Economic Growth". Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research, 1(1), PP. 161-185.
- 4- Amini, S. and Fakhr Hosseini, F. (2009) "The Least Living Line in Urban and Rural Areas of the Country and Kordestan Province", Journal of Economic Modeling, 5, pp. 78-98.
- 5- Assadzadeh, A. and Satya, P. (2001) "Poverty, Growth and Redistribution", Available at www.wider.unu.edu.
- 6- Chimhowa, A.O. (2009) "Poverty", International Encyclopedia of Human Geography, pp. 408-415.
- 7- Christian, E. (2004) "Poor People, Free Trade and Trade Justice", from <http://www.Elsiver/Eldis/Poverty.com>.
- 8- Duclos, Jean and Giles, John (2009) "Chronic and Transient Poverty: Measurement and Estimation, with Evidence from China", Elsevier, 91, pp. 266-277.
- 9- Foday, L. and John, M. (1996) "Poverty Monitoring in Africa", Economic and Social Policy Analysis Division, UN Economic Commission for Africa.
- 10- Foster, J.E. Greer, J. and Thorbecke, E. (1998) "A Class of Decomposable Poverty Measures", Econometrica, 52, PP. 761-766.
- 11- Hekmati Farid, Samad (2000) "Estimating the Poverty Line in Urban Areas of Tehran and its Comparison with the Country", Faculty of Economics, Tehran University, Iran.
- 12- Kazerooni, A. (1996) "An Analysis of Poverty and Poverty Reduction Policy in Iran", Management & Planning Organization.
- 13- Khodadad Kashi, F. (2005) "Estimating the Poverty Line in Iran (1984-2000)", Journal of Social Welfare, 17, pp. 137-163.

- 14- Khaledi, K. and Parmeh, Z. (2005) "Review of Poverty in Urban and Rural Areas of Iran (96-2005), Journal of Agricultural Economics and Development", 49, pp. 82-57.
- 15- Khosravi Nezhad, A. (2005) "The Effect of Reducing or Eliminating Subsidies on Welfare: the Case of Iran in terms of CPI Index and Demand Equations", Ph.D. Thesis, Economics Dept., Islamic Azad University, Tehran, Iran.
- 16- Maliki, Nader (2006) "Measurement of Poverty in the Semnan Province of Iran: First, Second and Third Developing Programs, Ph.D. Thesis, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
- 17- Mohammadi, S. Sayeh Miri, A, and Gorgi, H. (2007) "Measuring of the Least Living Using Linear Expenditure System: the case of Ilam in the Second Developing Program", Journal of Iranian Economic Research, 31, pp. 45-76.
- 18- Newell, A. and Gazeley, I. (2011) "Poverty in Edwardian British", Oxford University Press.
- 19- Parvin, S. and Zaidi, R. (2001) "The Effect of Adjustment Policies on Poverty and Income Distribution (the Case of the First Economic Development Program", Journal of Economic Research, 58, pp. 12-45.
- 20- Pirasteh, H. and Ranjbar, H. (2002) "The Study of Poverty in Iran: the Impact of Some Economic Measurements", Journal of Economic and Policy Research, 3, pp.89-99.
- 21- Ravallion, M. (1998) "Poverty Line in Theory and Practice", LSMS Working Paper, No133, World Bank, Washington D.C.
- 22- Sen, A. (1979) "Issues in the Measurement of Poverty", Scandinavian Journal of Economics, 1, PP.285-307.
- 23- Townsend, Peter (1979) "Poverty in the United Kingdom", London: Penguin.
- 24- Wang, D. and Park, A. (2010) "Migration and Urban Poverty and Inequality in China", London: Penguin.
- 25- World Bank (2002) "World Development Report on Poverty (2001-2000)", Management and Planning Organization of Iran.
- 26- Zenouz, B. (2005) "Poverty and Income Inequality in Iran", Journal of Social Welfare, 17, pp. 165-206.